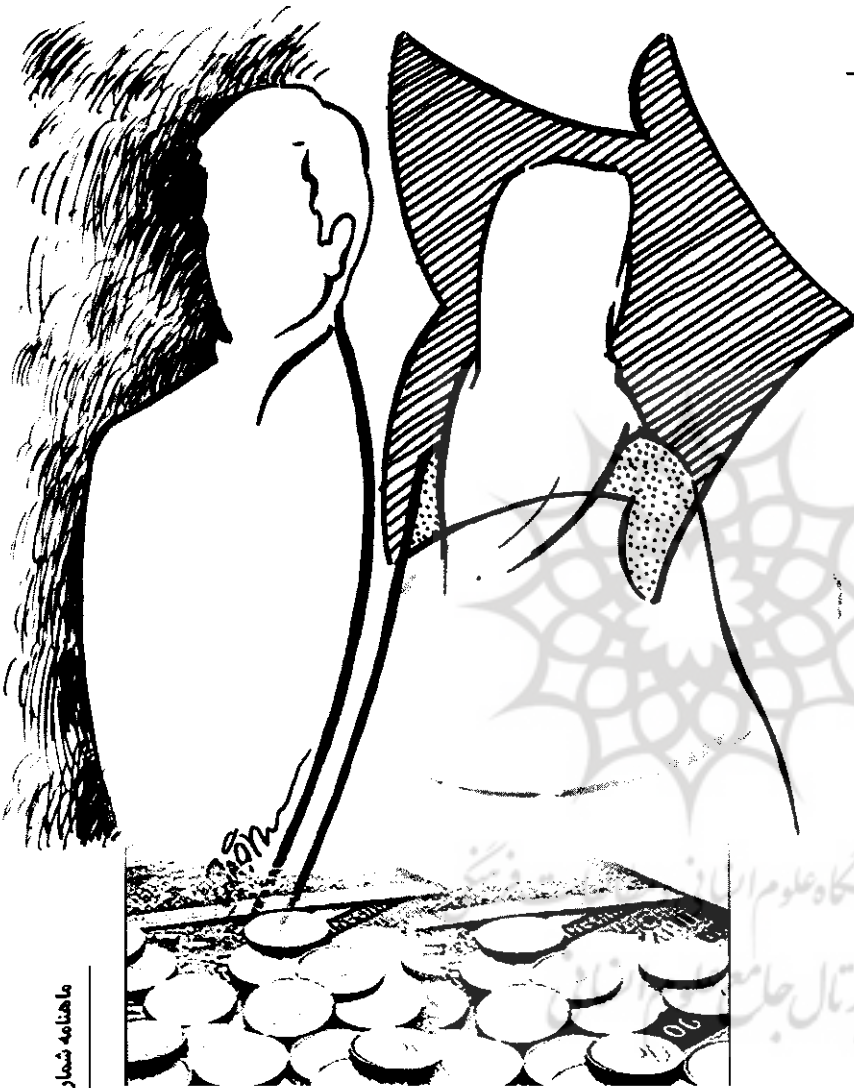


آیا وجود شرط عندالاستطاعت مالی زوج در پرداخت

مهریه مناسب است؟

مقدمه

● صدق یا مهریه در عین حال که از نظر شرعی و قانونی از ارکان عقد نکاح دائم مسموب نمی‌گردد ولی در عرف کنونی یکی از اصلی‌ترین مباحث نکاح قرار گرفته و تأثیر آن در شروع زندگی و ادامه آن به مدی است که نگاه همه مردم به موضوع مهریه جنبه شخصی پیدا کرده است ولی فواسته یا نافواسته زوج به دنبال راهی است که در موقع لزوم بتواند به استناد آن از پرداخت مهریه فرار کند و زوجه به دنبال راهی است که در صورت نیاز در جهت وصول مهریه دچار مسائل و مشکلات دادگاهی نگردد. به هر تقدیر این طرز نگاه مردم و مشکلاتی که در اثر تعیین مهریه‌های زیاد به زندگی‌ها وارد شد مسئولین سازمان ثبت را به تکاپو واداشت تا بتوانند قدمی در جهت جلوگیری از اثرات مهریه‌های زیاد و زندگی بهتر زوجین بردارند. در همین زمینه در تاریخ ۷/۱۱/۸۵ بخشنامه‌ای توسط ریاست متمرکز سازمان ثبت اسناد و املاک کل کشور صادر و به دفاتر ازدواج و طلاق ابلاغ گردید که جهت بررسی آثار آن ابتدا متن بخشنامه صادره را نگرینسته سپس آثار وجود آن بیان می‌گردد. ●



علی مظفری

سردفتر ازدواج ۴۱۸ تهران

باشند لذا توصیه می‌گردد سردفتران ازدواج حتماً مسائل حقوقی آن را برای زوجین تفهیم نمایند سپس در صورت اصرار مبادرت به درج شرط مزبور نمایند. به همین منظور مختصری در خصوص تبعات این شرط در سه بخش شرعی، حقوقی و اجرایی بیان می‌گردد:

الف - در زمینه شرعی: چون مهریه در نکاح

زوجین سردفتران می‌توانند شرط مذکور را به عنوان شرط ضمن عقد قید نمایند و به این علت این است که بنا به قاعده اقدام و اصل اعتبار اراده این مهم صورت پذیرد به همین دلیل تمام مسائل و تبعات آن نیز مستقیماً متوجه زوجه می‌شود. با این وصف نیاز است حتماً زوجین مخصوصاً زوجه از آثار و تبعات این تصمیم آگاهی کامل داشته

متن بخشنامه: «سردفتران ازدواج مکلفند در موقع اجرای صیغه عقد و ثبت واقعه ازدواج در صورتی که زوجین در نحوه پرداخت مهریه بر عندالاستطاعت مالی زوج توافق نمایند به صورت شرط ضمن عقد درج و به امضای زوجین برسانند.»

د. بخشنامه تصریح شده در صورت تقاضای

دائم از ارکان عقد محسوب نمی‌گردد بدین معنی که حتی اگر مهریه در نکاح دائم تعیین نشود عقد نکاح صحیح است به طریق اولی نمی‌تواند شرط مزبور در مهریه از باب شرعی خللی وارد آورد؛ هر چند نظر فقها بر آن است که در صورت تعیین مهریه می‌بایست حال یا مؤجل بودن آن معلوم گردد تا رفع ابهام گردد.

ب- در زمینه حقوقی: مسائل و آثار حقوقی قید عندالاستطاعت جهت پرداخت مهریه زوجه به شرح زیر بیان می‌گردد:

۱- ماده (۱۰۸۲) قانون مدنی بیان داشته «به مجرد عقد، زن مالک مهر می‌شود و می‌تواند هر نوع تصرفی که بخواهد در آن بنماید.» با توجه به ماده فوق زمان تحقق مالکیت زوجه بر مهریه هنگام عقد است که با وجود شرط عندالاستطاعت فروض زیر قابل تصور است.

۱-۱- سؤالی که مطرح می‌شود این است که با وجود تصریح مالکیت زوجه از لحظه عقد آیا با وجود شرط مزبور نیز زوجه می‌تواند از حق مالکیت خود استفاده نموده و هر تصرفی در ما یملک خود بنماید و آیا این شرط خلاف قانون نمی‌باشد؟ در جواب باید گفت با توجه به این که توافق طرفین در صورتی که مخالف با قواعد امره حقوقی نباشد معتبر و لازم‌الاجراست لذا به نظر نمی‌رسد این شرط خلاف قانون باشد و اما در جواب سؤال اول باید گفت در صورت قید شرط عندالاستطاعت لحظه مالکیت زوجه بر مهریه لحظه مستطیع شدن زوج می‌باشد نه لحظه عقد و این وجه تمایز وجود این شرط می‌باشد؛ مالکیت زوجه بر مهریه مشروط است تا زمانی که زوج مستطیع گردد و در صورتی که زوج استطاعت لازم جهت پرداخت مهریه نداشته باشد هیچ مالکیتی برای زوجه در مهریه ایجاد نمی‌گردد.

۱-۲- حقوقدانان معتقدند در مواردی که مهریه بر ذمه زوج مستقر می‌شود به محض وقوع عقد زن طلبکار مهریه می‌گردد؛ بدین معنی که بدهکار بودن مرد نیز ضمن عقد به وی تفهیم می‌شود. در صورت قید شرط فوق طلبکار بودن زن و بدهکار بودن مرد نیز موکول است به مستطیع شدن مرد.

۱-۳- بعضی از فقها معتقدند مرد در برابر بضع

مهریه را باید بپردازد و به نوعی اجبار در پرداخت مهریه عنوان شده است تا جایی که بیان شده اگر نیت مرد عدم پرداخت مهریه باشد می‌تواند در اصل عقد خلل وارد آورد. با نگاهی منصفانه می‌توان گفت حتی در صورت قبول زوجه وجود این شرط به حقوق زوجه لطمه وارد می‌آورد؛ چون مرد که زن را به عقد خود در می‌آورد از قدیم الایام در تمام سنت‌ها و ادیان و مذاهب مرسوم بوده که در برابر استفاده مرد از زن مالی به زوجه در قالب مهریه و ... پرداخت می‌شده است. با این وصف وضعیت زوجه چگونه می‌شود؟ پس از عمری خدمت به مرد در صورت تقاضای مهریه به راحتی بیان می‌شود شرط شده در صورتی که داشتم می‌دهم؟ آیا صحیح است؟

۲- زوجه مستند به ماده (۱۰۸۵) قانون مدنی دارای حق حبس می‌باشد و آن بدین معنی است که حق دارد تا زمانی که مهریه را تمام و کمال دریافت ننموده از ایفای وظایف زناشویی امتناع نماید و این استتک وی وجهه قانونی و شرعی دارد و به صورت مطلق می‌باشد و فرقی بین مرد غنی و فقیر نیست. حتی فقهای امامیه معتقدند اعسار مرد مانع مطالبه می‌شود ولی مسقط حق حبس زن نمی‌گردد حال اگر چنین شرطی در پرداخت مهریه قید شود، خود به خود این حق زن ساقط شده و دیگر نمی‌تواند بدان استناد نماید با توجه به این که حق حبس زن مورد اجماع تمام فقها بوده و تصریح قانونی نیز دارد آیا از بین بردن آن به نفع زن می‌باشد؟

لذا در صورت قبول شرط فوق از جانب زوجه این حق نیز از بین می‌رود.

۳- تبصره ماده (۱۰۸۲) قانون مدنی لزوم پرداخت مهریه به نرخ روز را بیان می‌دارد لذا در صورتی که شرط مزبور قید شده باشد، طبیعی است به جای محاسبه از روز عقد تا روز تقاضا از تاریخ استطاعت مالی زوج تا لحظه پرداخت می‌بایست محاسبه گردد و نمی‌توان به استناد تبصره فوق از لحظه عقد محاسبه نمود؛ چرا که ذمه زوج از لحظه استطاعت مشغول شده نه از زمان عقد لذا این حق قانونی زوجه نیز محدود می‌گردد.

۴- مستفاد از قوانین امور حسبی مهریه از دیون ممتازه بوده و در صورت فوت شوهر ابتدا می‌بایست مهریه از ماترک کسر و سپس ماترک بین ورثه تقسیم گردد. حال اگر شرط عندالاستطاعت در پرداخت مهریه زن بوده و سپس شوهر فوت کند از دو حال خارج نیست:

۱-۴- اگر شوهر قبل از فوت استطاعت مالی جهت پرداخت مهریه را داشته که در این صورت ابتدا زوجه می‌بایست به طرفیت ورثه دادخواستی تقدیر دادگاه نماید تا اثبات نماید شوهر قبل از فوت استطاعت مالی داشته و پس از ثبوت استطاعت شوهر قبل از فوت، مهریه وی جز دیون ممتاز قلمداد می‌گردد.

۲-۴- اگر شوهر قبل از فوت استطاعت مالی جهت پرداخت مهریه را نداشته باشد، هیچ مهریه‌ای نیز به زوجه تعلق نمی‌گیرد به دلیل این که همان گونه که بیان شد مالکیت زوجه در مهریه معلق بر استطاعت مالی مرد بوده که تا زمان فوت این شرط محقق نشده است.

در نتیجه اقدامی اضافه بر آن چه مرسوم بوده از ناحیه زوجه می‌بایست انجام گیرد و با توجه به این که اگر شخصی فوت نماید و بلافاصله در زمانی که همه سوگوار هستند همسر متوفی جهت اثبات استطاعت مالی شوهرش به دادگاه مراجعه نماید، صورت خوشی نخواهد داشت.

۵- یکی دیگر از ابهامات این شرط آن است که در چه زمانی مرد استطاعت مالی جهت پرداخت مهریه را خواهد داشت. برگرفته از این نکته که مستثنیات دین نمی‌تواند مورد ادعای طلبکار باشد می‌توان چنین استنباط نمود که اگر زوج اموالی مازاد بر یک واحد آپارتمان و یک وسیله نقلیه که در حد شأن خود باشد داشته باشد استطاعت مالی خواهد داشت؛ در غیر این صورت خیر.

ج- در زمینه اجرایی: در صورتی یک قید عندالاستطاعت مالی زوج در مهریه شرط شود مسائل و مشکلاتی گریبانگیر زوجه از جهت اجرا و وصول نمودن آن نیز می‌شود؛ چرا که برابر قوانین در صورت امتناع زوج از پرداخت مهریه زوجه می‌تواند به دو طریق نسبت به وصول مهریه اقدام نماید که در هر دو مسیر زوجه می‌بایست

اقدامات زیادتری نسبت به گذشته جهت وصول مهریه انجام دهد:

۱- وصول مهریه از طریق اداره اجرای اسناد رسمی در مهریه شرط شده است عندالاستطاعت مهریه به زوجه پرداخته شود. زوجه که از استطاعت مالی شوهرش اطلاع حاصل کرده جهت صدور اوراق اجرایی می‌بایست به دفترخانه‌ای که عقد ازدواج وی در آن جابه ثبت رسیده مراجعه نماید. پس از مراجعه و تقاضای صدور اوراق اجرایی مسئول دفتر بیان می‌دارد سردفتر مجاز به صدور اوراق اجرایی نسبت به دیونی است که حال بوده یا موعده پرداخت آن گذشته است و در مجموع دین مدیون منجز باشد با وجود این شرط شما ابتدا می‌بایست استطاعت مالی زوج را از طریق محاکم به اثبات رسانیده سپس به دفترخانه مراجعه نمایید (به نظر این راه، راه صحیح قانونی می‌باشد) و بر فرض که سردفتر اوراق اجرایی را صادر و به اداره اجرا تحویل نماید علی القاعده چون اداره اجرا نیز نمی‌داند آیا زوج استطاعت دارد یا خیر و چون پرداخت مهریه مشروط بوده تا زمان اثبات استطاعت مالی زوج اقدامی از ناحیه اداره اجرا نیز ممکن نمی‌باشد مگر این که اختیار تشخیص استطاعت به اداره اجرا تفویض شود.

بدین ترتیب یکی از راه‌های سهل الوصول دریافت مهریه نیز از بین رفته و به یکی از راه‌های صعب‌الوصول تبدیل خواهد شد.

۲- وصول مهریه از طریق تقدیم دادخواست به محاکم قضایی

در صورت وجود شرط عندالاستطاعت مالی زوج جهت پرداخت مهریه در صورتی که زوجه بخواهد از طریق محاکم قضایی نسبت به وصول مهریه اقدام نماید بدون تردید می‌بایست یا ضمن تقدیم دادخواست مطالبه مهریه اثبات استطاعت مالی زوج را از دادگاه بخواهد یا ابتدا نسبت به اثبات استطاعت مالی زوج اقدام و در صورت ثبوت مبادرت به تقدیم دادخواست مطالبه مهریه نماید که در هر دو فرض اگر مرد قصد پرداخت مهریه را نداشته باشد اثبات استطاعت مالی زوجه نه تنها کار یک زن نیست بلکه اگر گروهی از وکلای

خبره نیز بخواهند با وجود سنگ اندازی‌های مرد مواجه شوند، اثبات استطاعت مالی زوج در پرداخت مهریه بسیار دشوار خواهد شد.

نتیجه و پیشنهاد:

با توجه به مسائل فوق‌الذکر اولاً، آثار و تبعات اعمال شرط عندالاستطاعت حتماً می‌بایست به زوجه و ولی ایشان تفهیم شود و در صورت قبول از جانب زوجه می‌بایست تمام تبعات آن را نیز پذیرا باشند.

ثانیاً، به نظر حقیر و با توجه به آثار ناشی از آن این شرط نمی‌تواند تأمین کننده نظر مردم و مسئولین باشد و در جهت کم کردن آثار و تبعات مهریه‌های زیاد می‌توان مسیرهای بهتری را برای مردم ایجاد نمود.

پیشنهاد نگارنده:

اگر بخشنامه یا قانونی صادر شود که به موجب آن دفاتر ازدواج مکلف باشند در صورتی که توافق زوجین در مهریه بیشتر از ۱۱۰ سکه طلا باشد پرداخت آن را به اقساط ماهیانه یا سالیانه طبق توافق زوجین قید نمایند بی‌تردید مزایای آن بیشتر از معایب آن می‌باشد و با توجه به این که افتخار فقه شیعه به پویایی آن است در صورت وجود ایراد می‌توان با کمک خواستگاران راجع تقلید نسبت به رفع آن اقدام نمود.

مزایای طرح پیشنهادی

۱) مزیتی برای دخترانی می‌باشد که مهریه آن‌ها کم‌تر از ۱۱۰ سکه باشد؛ چون در صورت تقاضای زن، مرد موظف می‌گردد به صورت نقدی مهریه را به زوجه بپردازد و این خود تشویقی است جهت کم شدن مهریه.

۲) چنانچه مهریه زوجه بیشتر از ۱۱۰ سکه باشد در ابتدا طرفین می‌توانند با توجه به نوع شغل و درآمد زوج طبق نظر خود اقساط را تعیین نمایند و به جای این که پس از سال‌ها دوندگی و تلاش در مراجع قضایی به دلیل معسر شناخته شدن مرد دادگاه مبادرت به تعیین اقساط نماید، در ابتدا در کمال رضایت و با طیب خاطر و طبق نظر خانواده‌ها اقساط آن معین می‌گردد.

۳) نه تنها تعهد پرداخت در مهریه همانند شرط عندالاستطاعت از دوش مرد برداشته نمی‌شود

بلکه زوج از ابتدا سعی خود را بر آن داشته تا بتواند تعهدی را که معقول بوده به نحو احسن انجام دهد. ۴) به دلیل فرهنگ بدی که در جامعه باب شده مردم چنین می‌پندارند که تقاضای مهریه از جانب زن به معنی گسسته شدن زندگی می‌باشد. با این شرط ضمن از بین بردن این فرهنگ نادرست، می‌توان فرهنگ پرداخت مهریه را در عین وجود زندگی خوب القا نمود.

۵) با وجود این شرط اهرم فشاری که بعضی از زن‌ها جهت اعمال نظر خود به کار می‌گیرند از بین رفته و می‌توان مراجعاتی را که تحت قالب وصول مهریه ولی به نیات دیگری دنبال می‌شود، کم کرد که خود منجر به کم شدن تعداد زندانیانی است که به دلیل مهریه در زندان می‌باشند.

۶) این روش یکی از بهترین روش‌ها جهت کم کردن مراجعات به دادگستری می‌باشد؛ زیرا در صورتی که شرط اقساط اعمال شود صرفاً در صورت عدم پرداخت قسط به صرف درخواست زوجه اجراییه صادر می‌گردد و اگر شرط تبدیل شدن اقساط موجب به حال در صورت تأخیر در پرداخت اقساط نیز قید گردد کمتر کسی حاضر است اقساط را نپردازد.

۷) نه تنها حق زن تصبیح نمی‌گردد بلکه به دلایل فوق منافع آن بیشتر شامل زن‌ها می‌گردد و می‌توانند زندگی خوبی داشته باشند؛ در عین حالی که مهریه را نیز دریافت می‌نمایند.

۸) مشکلاتی که پس از فوت مرد برای زن در صورت وجود شرط عندالاستطاعت مالی مرد در پرداخت مهریه وجود دارد در این فرض وجود نداشته بلکه طبق قانون کلیه دیون موجب متوفی تبدیل به حال شده و قابل وصول می‌باشد.

تاسعاً، با وجود شرط اقساط، ضمن از بین رفتن اصطلاح نادرست «کی داده و کی گرفته» که معمولاً در اولین جلسه‌های دو خانواده مطرح می‌شود - چگونگی پرداخت مهریه مورد بحث قرار می‌گیرد و به تدریج فرهنگ مهریه‌های زیاد از بین رفته و فرهنگ الزام طبیعی پرداخت مهریه توسط مرد جایگزین می‌گردد.

«به امید روزی که هیچ طلاق‌ی به علت مهریه نباشد.»